

## موضوع ۵

# پرستش باهم

## مرور کلی موضوع

هر هفته، مسیحیان سراسر دنیا به جهت پرستش خدا در جلسات کلیسا گرد هم می‌آیند. علیرغم تمامی گوناگونی‌هایی که در شیوه‌های پرستشی کلیساها وجود دارند، پرستش خدا باید برای مسیحیان در اولویت اول قرار داشته باشد. این موضوع، پرستش را تعریف و توصیف می‌کند و اهمیت آن را هم در زندگی شخصی و هم در زندگی جمعی ما نشان می‌دهد. در این موضوع ما:

برای پرستش از کتابمقدس چارچوبی فراهم خواهیم ساخت.

اهمیت پرستش را در کلیسا بررسی خواهیم نمود.

بنیادی تهیه خواهیم دید که بر اساس آن بتوان پرستش خود را هم در جلسات کلیسایی و هم در زندگی روزمره ما ارزیابی کرد.

## هدف موضوع

پرستشی که کتابمقدس از آن سخن می‌گوید، چگونه است؟ پرستش خدا چه معنایی دارد؟ خدا در پرستش‌های ما به دنبال چیست؟ زمانی که به جهت پرستش جمع می‌شویم، چه چیزی باید اتفاق افتد؟

## کوچک ولی مقوی

(علت گنجاندن بیانات زیر در این بخش از آن جهت است که شما را در رابطه با موضوع به تفکر وادارد. این بیانات ممکن است با حکمت کلام خدا منطبق باشند و یا نباشند.)

«پرستش لعل گمشده کلیسای بشارتی است.» آ. و. توزر

«پرستش چیزی بیشتر از خواندن چند سرود دستجمعی در جلسات یکشنبه کلیسا است.»

«علت تفاوت‌هایی را که در نحوه پرستش کلیساهای مختلف وجود دارند، ابا درک نمی‌کنم. چرا همه ما به همان شکلی که خدا می‌خواهد، او را پرستش نمی‌کنیم؟»

«اگر خدا را در طول هفته پرستش نکرده باشیم، پرستش روز یکشنبه در کلیسا چیزی نیست جز اتلاف وقت.»

«اگر از سرودهای قدیمی کلیسا که از ایمان سخن می‌رانند، بیشتر استفاده کنیم، کلیسا بیشتر پرستش خواهد کرد.»

«می‌توانستم بهتر پرستش کنم اگر در پرستش از وسایل موسیقی بت پرستی استفاده نمی‌شد.»

## نمونه به بهت مطالعه

### کامران

شش ماه پیش که کامران به کلیسا پیوست، در رابطه با پرستش دستجمعی در کلیسا بسیار هیجان زده می‌نمود. موسیقی کلیسا از تمامی موسیقی‌هایی که او شنیده بود، بهتر به نظر می‌رسید. جلسه به شکلی بسیار روان از مرحله‌ای به مرحله بعد می‌رفت و افراد مسئول همیشه در اینکار بالاترین سطح خلاقیت و توان را در مقابل چشم می‌گذاشتند.

با این وجود، اخیراً کامران در این مورد زیاد هم قانع نیست. احساس می‌کند که روح پرستش به تدریج از کلیسا محو می‌شود. پرستش، موسیقی و موعظه دیگر مثل قبل روی مردم تأثیر نمی‌گذارند و اشتیاق به پرستش خدا از مردم رخت بر بسته است.

یکی از دوستان به کامران پیشنهاد نمود که به کلیسای دیگری که از نظر پرستش بسیار معروف است، برود. و پس از آن، یکی دیگر از دوستان از کیفیت پرستش در زندگی شخصی خود کامران جويا شد.

کامران روز به روز بیشتر گیج می‌شود. او همیشه پرستش را امری می‌دانست که در زمان گردهمایی با دیگران باید انجام داد. کامران نامطمئن از این فکر و باوری که دارد، احساس خود را با شما هنگام صرف چایی در میان می‌گذارد.

کامران را در درک معنی و مقصود پرستش خدا چگونه راهنمایی می‌کنید؟

سوال و یا موضوع اصلی مطرح برای ما چیست؟

## مطالعه کتاب مقدس

### یوحنا ۴: ۱۹ - ۲۴

زن بدو گفت: «ای آقا می بینم که تو نبی هستی! پدران ما در این کوه پرستش می کردند و شما می گوید که در اورشلیم جایی است که در آن عبادت باید نمود.»  
عیسی بدو گفت: «ای زن مرا تصدیق کن که ساعتی می آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. شما آنچه را که نمی دانید می پرستید، اما ما آنچه را که می دانیم عبادت می کنیم. زیرا نجات از یهود است. لیکن ساعتی می آید، بلکه الان است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است. خدا روح است و هر که او را پرستش کند، می باید به روح و راستی بپرستد.»

این آیات از گفتگوی عیسی با زن سامری کنار چاه گرفته شده است. سامریان نژادی مخلوط از یهودی و غیر یهودی بودند و دین آنها هم مخلوطی از تعالیم عهد عتیق و عقاید بت پرستی بود. یکی از بحثهای مهمی که بین یهودیان و سامریان از زمانهای دیرین جریان داشت، روی محل پرستش خدا دور می زد. یهودیان بر این مطلب پافشاری می کردند که خدا را باید در اورشلیم و در معبد او پرستش کرد. در حالی که سامریان بر این باور بودند که تنها محل مناسب برای پرستش خدا کوه «جرزیم» می باشد که در قلب منطقه سامره قرار داشت.

منظور عیسی از این مطلب که پرستندگان خدا «می باید به روح و راستی بپرستند»، چه بود؟

خدا در پرستش ما چه مطلبی را مهم می شمارد؟

## عبرانیان ۱۳: ۱۵ و ۱۶

پس بوسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم، یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند. لکن از نیکوکاری و خیرات غافل مشوید، زیرا خدا به همین قربانی‌ها راضی است.

رساله به عبرانیان از آن جهت نوشته شد تا برتری زندگی ایمان بر مسیح را بر زندگی تحت عهد عتیق تشریح کند. لیکن با توصیف بسیاری از اعمالی که به جهت پرستش خدا در عهد عتیق صورت می‌گرفت، خوانندگان اصلی این رساله متحیر باقی می‌ماندند و نمی‌دانستند که پرستش در عهد جدید، چگونه پرستشی باید باشد. در این آیات، نویسنده پرستش در عهد جدید را توصیف می‌کند.

چرا نویسنده از تمثیل قربانی استفاده می‌کند؟

این آیات در مورد پرستش چه مطلبی را تعلیم می‌دهند؟

## ۱ پطرس ۲: ۴ - ۱۰

و به او تقرب جست، یعنی به آن سنگ زنده رد شده از مردم، لکن نزد خدا برگزیده و مکرم. شما نیز مثل سنگهای زنده بنا کرده می‌شوید به عمارت روحانی و کهنات مقدس تا قربانی‌های روحانی و مقبول خدا را بواسطه عیسی مسیح بگذرانید. بنابراین، در کتاب مکتوب است که «اینک می‌نهم در صهیون سنگی سر زاویه برگزیده و مکرم و هر که به وی ایمان آورد خجل نخواهد شد.» پس شما را که ایمان دارید اکرام است، لکن آنانی را که ایمان ندارند، «آن سنگی که معماران رد کردند، همان سر زاویه گردید»، و «سنگ لغزش دهنده و صخره مصادم»، زیرا که اطاعت کلام نکرده، لغزش می‌خورند که برای همین معین شده‌اند.

لکن شما قبيله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت، به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایید. که سابق قومی نبودید و الان قوم خدا هستید. آن وقت از رحمت محروم، اما الحال رحمت کرده شده‌اید.

پطرس این نامه خود را با توصیف نجات عظیمی که خدا به مومنین عطا کرده است، شروع می‌کند. پس از آن نگاه خود را بر کلیسا متمرکز و از تمثیل معبد و کهنات استفاده می‌کند تا رابطه کلیسا را با خدا به تصویر کشد.

تمثیلهای معبد و کهنات ما را در درک اهمیت پرستش در کلیسا چگونه کمک می‌کنند؟

در آیه ۹، چرا پطرس هویت کلیسا را به حمد و تمجید خدا مربوط می‌کند؟ این امر به ما در مورد پرستش دستجمعی چه مطلبی را تعلیم می‌دهد؟

### مزمور ۹۵

بیایید خداوند را بسراییم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم!  
 به حضور او با حمد نزدیک بشویم! و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم!  
 زیرا که بیهوه، خدای بزرگ است،  
 و پادشاه عظیم بر جمیع خدایان. نشیبه‌های زمین در دست وی است و فرازهای کوهها از آن او.  
 دریا از آن اوست، او آن را بساخت؛ و دستهای وی خشکی را مصور نمود.  
 بیایید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم!  
 زیرا که او خدای ما است! و ما قوم مرتع و گله دست او می‌باشیم! امروز کاش آواز او را  
 می‌شنیدید!

دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا، مانند یوم مسا در صحرا.  
 چون اجداد شما مرا آزمودند و تجربه کردند و اعمال مرا دیدند.  
 چهل سال از آن قوم محزون بودم و گفتم: «قوم گمراه دل هستند که طرق مرا شناختند.  
 پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

مزمور ۹۵، مزمور پرستشی است و مردم را دعوت می‌کند که به خدا نزدیک گردند. این مزمور اسرائیلیان را تشویق می‌کرد تا خدا بخاطر بزرگی و اعمال او تمجید کنند. با اینحال، به مردم اخطار هم می‌دهد که در نحوه نزدیک شدن خود به خدا دقت کنند.

در این مزمور در رابطه با پرستش دستجمعی و یا فرمان به جهت پرستش دستجمعی چه می‌یابید؟

نویسنده مزمور در مورد نزدیک شدن به خدا در پرستش چه دلایلی عرضه می‌دارد؟

آیات ۸ - ۱۱ در رابطه با پرستش خدا چه می‌گویند؟

## دیگر منابع

«پرستش صبح روز دوشنبه»، به قلم کنت. ر. ویلسون

اخذ از «ژورنال شاگردی» شماره ۷۰ (جولای / آگوست ۱۹۹۲). با کسب مجوز از مؤلف.

«جوهر پرستش»، به قلم رونالد آلن و گوردون بارور

اخذ از فصل اول پرستش: لعل گم‌کرده. با کسب مجوز از ناشر کتاب صرفاً به جهت استفاده تعلیم. هرگونه استفاده دیگر از این مقاله ممنوع است.

## پرستش صبح روز دوشنبه

به قلم کنت. ر. ویلسون از «ژورنال شاگردی» شماره ۷۰

زمانی که بزرگ می‌شدم، جلسات پرستشی در ذهن من چنان بود که گویی رازی بزرگ در آن نهفته است. من در کلیسایی بزرگ شدم که در آن، پرستش هسته مرکزی حیات آن را تشکیل می‌داد و اغلب جملات قصاری می‌شنیدم که لابد به مردم در درک اهمیت و مکان پرستش کمک می‌کرد:

دعا درگیری جان با احتیاجات خویش است.

تمجید درگیری جان با برکات خویش است.

پرستش درگیری جان با خود خدا است.

آلفرد پی. گیبز

این تعریف بجای اینکه مرا در درک پرستش کمک کند، بیشتر مرا ترسانید و گیج و واگیج کرد. چگونه می‌توانستم روی چیزی متمرکز شوم که تا بدین حد مرموز و نهفته می‌نمود؟ به زور می‌توانستم فکر خود را پنج دقیقه روی چیزی متمرکز کنم، چه برسد به یک ساعت! همانطور که روی نیمکت صاف نشسته بودم و سعی می‌کردم که به نحوی این افکار بزرگ را در ذهنم جمع و جور کنم، پرستش به نظرم چیزی به مراتب فراتر از توان و درک من به من جلوه کرد. این عدم درک کماکان تا زمان بزرگسالی با من ماند. شنیدم که طرفداران الویس به یاد این خواننده بزرگ در صدد آن هستند که به زیارت قبر ایشان روند. پرستشی که ایشان در محل تدفین او انجام دادند، پایانی نداشت! مثل او لباس پوشیده بودند، بدون وقفه به آهنگهای او گوش می‌دادند، و همه جا تزیینات الویس به چشم می‌خورد که پول هنگفتی را برای خرید آن صرف کرده بودند. در حالیکه در کنار قبر او گریه می‌کردند، بی‌هیچ خجالتی او را «پادشاه» خطاب می‌کردند. گرچه خودم زیاد هم طرفدار الویس نبودم، ولی به غیرت که این افراد داشتند، حسادت می‌کردم. این افراد در مورد پرستش چه می‌دانستند که من و بسیاری از مسیحیان در رابطه با پرستش از آن آگاه نیستیم؟ چه چیزی به آنها نیرو می‌داد که احساسات خود را چنان قوی بیان دارند خاطره او را بدین شکل حفظ کنند و در عین حال بدیشان خوش هم بگذرد؟ می‌دانستم که از چیزی محروم هستم. به نظر من خدا مستحق چیزی بیشتر از داشتن برخی افکار و جلسات پرستشی خوب بود. می‌بایست معنی حقیقی پرستش را پیدا می‌کردم.

## پرستش چیست؟

جستجوی خود را با کنکاش در معنی همین کلمه پرستش شروع کردم. پرستش همیشه واژه‌ای بسیار مشهود و فعال بوده است. کلماتی که در کتابمقدس به جهت پرستش به کار رفته‌اند، از مراسم سلطنتی و دربار گرفته شده‌اند و بدینگونه نشان می‌دادند که افراد مملکت چگونه مطیع پادشاهان خود می‌باشند. واژه‌هایی که به عنوان «پرستش» ترجمه شده‌اند، عملاً «تعظیم کردن و یا حقیر شمردن خود» و «دستبوسی» معنی دارند. برای پرستش حتی کلمه‌ای هم هست که به معنی «خدمت و خدمت کردن» می‌باشد.

پرستش در مفهوم مرئی خود تمامی اعضای وجود ما را در برمی‌گیرد؛ شکل ظاهری مان را، اراده‌مان را، و احساساتمان را. پرستش فقط کلمات و موسیقی و یا زانو زدن نیست. پرستش بخشهای مختلف وجود ما است که در آن واحد جملگی به جهت دادن جلال، حرمت، احترام، و حتی شگفتی نسبت به خدا متمرکز شده‌اند؛ نسبت به اینکه کیست و چه کاری انجام داده است. خدایی که پادشاه ما است. پرستش آگاهی و واکنش طبیعی ما نسبت به حضور خدا در میان ما است. ذهن و بدن، زبان و قلب، همه در اینکار دخیل‌اند. چنانکه «جورج مالون» نیز اشاره می‌کند: «زمانی که مسیح برگردد، ما نشسته نخواهیم بود.»

«آر. سی. اسپرول» در مجله «صحبت‌های سر میز» چنین می‌گوید:

اگر مردم پرستش را خسته کننده و نامربوط می‌یابند، به این معنی است که در آن حضور خدا را احساس نمی‌کنند. زمانی که به عمل پرستش در کتابمقدس و شهادت کلیسا در طول تاریخ نگاه می‌کنیم، در مقابل حس حضور خدا از انسانهای واکنشهای مختلف می‌بینیم. برخی از ترس بر خود می‌لرزند، برخی به روی بر زمین می‌افتند، برخی گریه و شیون سر می‌دهند، برخی از شادی به هوا می‌پزند؛ و برخی هم کماکان در سکوت باقی می‌مانند. گرچه همه این واکنشها با هم فرق دارند، لیکن آنچه که نمی‌یابیم، همان خسته کننده و کسالت آور بودن آن است. امکان ندارد در حضور خدا کسل و خسته باشیم، اگر از حضور او در میان خود خبر داریم.

شاید با توجه به آنچه که هنرپیشگان و خوانندگان و فوتبالیستهای معروف از جانب طرفداران خود دریافت می‌کنند، بتوانیم معنی و مفهوم آن پرستشی را که خدا از ما طالب است، درک کنیم. آیا آن مقدار زمانی را که روز یکشنبه در کلیسا بسر می‌بریم، حداکثر آن چیزی است که می‌توان به پرستش اختصاص داد؟ در حین مطالعه خود متوجه شدم که پرستش به مراتب فراتر از این حرفها است.

## پرستش در عهد عتیق

مطالعه بعدی من به عهد عتیق کشیده شد. از همان زمان بچگی در ذهن خود داوود را تصویر می‌کردم که چطور در خیابانهای اورشلیم می‌رقصد و موسیقی نوازان چگونه با شادی در سازهای خود می‌دمند. آیا آنچه را دلم برایش تنگ می‌شد، این فرم پرستش از عهد عتیق بود. زمانی که به مقدسین عهد عتیق نگاه می‌کردم، تضادهایی می‌دیدم که مرا از درون به هیجان می‌کشید. پرستش در عهد عتیق بسیار با حرارت و زنده و پر از روح بود. نگاهی کوتاه به رقص داوود در حضور خدا (۲ سموئیل ۶: ۱۲ - ۲۳) و فریادهای مقدس شادی (مزمو ۴۷) نشان می‌دهند که پرستش به هیچ عنوان واقعه‌ای کم اهمیت نبوده است. با این وجود پرستش در عهد عتیق بر محور شریعت دور می‌زد و پر از مقررات بود. قوانین و آیینهایی به مومنین داده شده بود که نحوه رهیافت آنها را نسبت به خدا تعریف و محدود می‌نمود. به ویژه، پرستش در این زمان محدود به یک مکان بخصوص، شکل بخصوص، و قوم بخصوص بود.

اسرائیلیان یا در خیمه اجتماع و یا در معبد اورشلیم پرستش می‌کردند. هر سال به برای پرستش به آنجا سفر می‌کردند و در حین راه مزامیر زیارت را سر می‌دادند (مزامیر ۱۲۲ - ۱۳۴). پرستش در مکان مقدس هم شکل از قبل تعیین شده داشت. قوانین مربوط به مراسم و آیینها نحوه نزدیک شدن به خدا را دقیقاً مشخص کرده بود و این مطلب تا جزئی‌ترین قسمتهای آن پیش می‌رفت و اسباب مقدس و لباسها و رنگها و عطرها را نیز شامل می‌شد. افراد مخصوص انبیا و لایوان و کاهنان بودند و فقط همین افراد می‌توانستند قربانیها را بجای آورند و به حضور خدا نزدیک شوند. بی‌توجهی و عدم رعایت این مقررات مرگ و یا داوری خدا را بر بیش از یک فرد پرستش کننده در عهد عتیق نازل می‌کرد. (به اعداد ۴: ۱ و ۱ سموئیل ۱۳ نگاه کنید).

تا اینجا متوجه شده بودم که پرستش خدا همه وجود مرا در بر می‌گیرد، نه فقط فکر و ذهن مرا. و هیجان آن را حتی با شادترین مهمانی‌ها هم نمی‌توان مقایسه کرد. ولی تا زمانی که به عهد جدید نگاه نکرده بودم، آنچه را که در پرستش از آن محروم بودم، نمی‌دیدم.

## پرستش در عهد جدید

در یوحنا ۴: ۱۹ - ۲۶ زمانی که عیسی با زن سامری صحبت می‌کرد، موضوع صحبت به مطلبی کشیده شد که موضوع بحث آن روز بود: پرستش. برای زن سامری سؤال اصلی در رابطه با محل

درست پرستش بود؛ کوه جرزیم، و یا اورشلیم. ولی برای عیسی که آمده بود پرستش را به «طریق تازه و زنده» از سر نو تعریف کند، سؤال واقعی یکی از جنبه‌های جدیدی بود که پرستش با خود داشت. جرزیم و یا اورشلیم دیگر جواب صحیح به این سؤال نبودند. شکل صحیح پرستش اکنون پرستش «در روح و در راستی و حقیقت» بود.

برای یهودیان که حقیقت پرستش را داشتند و برای سامریان که روح پرستش را داشتند، اکنون برای هر دو آنها طریقی جدید طلوع می‌کرد که بدان حرمت و احترام خود را به خدا ابراز کنند. ولی درسی که می‌بایست فرا گیرند، بسیار سخت بود؛ حتی برای مومنینی که دو هزار سال بعد می‌آمدند.

اگر پرستش در عهدعتیق مقدمتا «شریعت محوری» بود، در عهد جدید با «حیات محوری» شدن تازه و زنده شد. مکان و شکل و قوم بخصوص که همه ظواهر بیرونی بودند، جای خود را به انگیزه‌های درونی دادند که خود را به سه طریق دراماتیک متجلی می‌کرد: پرستش در مقام حمد، پرستش در مقام شریک شدن، و پرستش در مقام قدوسیت.

### پرستش در مقام حمد

پرستش همیشه بیان و تجلیات فکر و دهان خواهد بود. به پرستش در مقام حمد، یعنی آنچه که می‌گوییم و فکر می‌کنیم، در رساله به عبرانیان ۱۳: ۱۵ به عنوان «قربانی تسبیح، ثمره لبهایی که به اسم او معترف باشد»، اشاره رفته است. این نوع پرستش امروزه معمولترین نوع پرستش در میان مسیحیان می‌باشد. مومنین از طریق کلام خدا، حمد، خواندن سرود، و حتی فریادها شخصیت و کار خدا را با ترس و احترام جلال می‌دهند. و در مقابل حضور خدا در میان ما فردا به فکر فرو می‌رویم و در او تفکر می‌کنیم.

### پرستش در مقام شریک شدن

ولی پرستش به مراتب بیشتر از آن چیزی است که می‌گوییم. نویسندگان عبرانیان بعد از آنکه ما را به پرستش تسبیح‌وار تشویق می‌کند، از نوع دیگری از پرستش سخن به میان می‌آورد: «لکن از نیکوکاری و خیرات غافل مشوید، زیرا خدا به همین قربانی‌ها راضی است.» (عبرانیان ۱۳: ۱۶). قربانی شریک شدن، نیکویی کردن به دیگران دومین شکل پرستش مومنین عهد جدید است. پولس رسول از این نوع پرستش صحبت می‌کرد، زمانی که در مورد غیریهودیان می‌گفت که آنها را همانند قربانی پرستش به خدا تقدیم می‌کند (رومیان ۱۵: ۱۶). او با کمال میل انجیل را به آنان

اعلان کرد. در فیلیپیان ۴: ۱۸ او از کمک مالی فیلیپیان تشکر و آن را «عطر خوشبوی و قربانی مقبول و پسندیده خدا» قلمداد می‌کند.

پرستش در مقام شریک شدن و یا آنچه که انجام می‌دهیم، می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود گیرد. زمانی که با اموال خود به افراد محتاج کمک می‌کنیم، این کار ما می‌تواند شکلی از پرستش خدا در حضور او باشد، خدایی که همه آنچه که داریم، از او است. جمع‌آوری هدایا به همان اندازه موسیقی و سرودهای دسته‌کر پرستش محسوب می‌گردد. یکی از دوستان مجبور شده بود که جلسه پرستشی مخصوص شب کریسمس را ترک و در منزل سالمندان خدمت کند. این کار او هم پرستش محسوب می‌شد.

### پرستش در مقام قدوسیت

ما نه تنها با آنچه که می‌گوییم و انجام می‌دهیم، پرستش می‌کنیم، بلکه از طریق آنچه که هستیم نیز پرستش می‌کنیم. این نوع جدید از پرستش که از طریق تازه و زنده مسیح خلق شد، پرستش در مقام قدوسیت می‌باشد. این همان نوع پرستش است که پولس رسول در افسسیان ۱: ۳ - ۱۴ به آن اشاره می‌کند زمانی که به بیان تمامی آنچه که خدا در ما انجام داده است، می‌پردازد و بارها و بارها اعلان می‌دارد که این برکات نتیجه «ستوده شدن جلال او» بوده است. آنچه که هستیم، خدا را با پرستشی والا و عالی حمد می‌کند.

پولس در افسسیان ۵: ۸ - ۱۰ به ما یادآور می‌شود که زمانی که همانند فرزندان نور زندگی می‌کنیم، از آنچه که خدا را خشنود می‌کند، آگاه می‌گردیم. ثمره صالحیتی که مالک هستیم، موجب جلال و حمد خدا می‌شود (فیلیپیان ۱: ۱۱)، به همراه با خداترسی و قدوسیت که او را خشنود می‌سازد (۱ تیموتائوس ۲: ۲ - ۳). اگر همانی باشیم که خدا ما را بدان خلق کرده است، موجب جلال و تمجید او می‌گردیم.

### پرستش: شیوه زندگی

پری پرستش عهد جدید را در کلمات زیر که از دهان مردی میانسال جاری شد، به خوبی می‌توان دید. این مرد در یکی از جلسات وسط هفته کلیسا به پا ایستاد و چنین دعا کرد:

خداوندا تو را حمد می‌گوییم؛

تو را با ساز ده تار حمد می‌گویی.

تو را با دو چشم خود حمد می‌گوییم، فقط با نگاه کردن به تو.

تو را با دو گوش خود جلال می‌دهیم، فقط با گوش دادن به صدای تو.  
 تو را با دستهای خود جلال می‌دهیم، با بکارگیری آنها در خدمت تو.  
 تو را با پاهای خود احترام می‌کنیم، با واداشتن آنها که در طریقه‌های تو بروند.  
 تو را با دهان خود عزت می‌دهیم، با شهادت‌های محبت و مهربانی تو.  
 تو را با قلب خود پرستش می‌کنیم، با دوست داشتن تو.  
 برای این ساز از تو ممنونیم، خداوندا.  
 آن را موزون نگهدار. مطابق اراده‌ات آن را بنواز و نوای فیض خود را از آن بشنوان. باشد که  
 پرده‌های نوای آن جلال تو را بیان کند.

این ساز ده تار به شکلی عالی در رومیان ۱۲: ۱ خلاصه شده است: «لهذا ای برادران شما را به  
 رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذارانید که  
 عبادت معقول شما است.» زمانی که بدن‌ها، پول، وقت، اموال، اطاعت مقدس خود را به پدر تقدیم  
 می‌کنیم، هر آنچه را که می‌گوییم و هر آنچه را که می‌کنیم، حمد و حرمتی را که حضور او از ما  
 طلب می‌کند، به او تقدیم می‌داریم.

هر روز و هر لحظه به ما مومنین این فرصت را عطا می‌کند که در مقام کاهنان عهد جدید  
 قربانی‌های پرستش به حضور خدا تقدیم داریم. در تکالیف مدرسه زمانی که از هر تقلبی سرباز  
 می‌زنیم و می‌خواهیم در صداقت زندگی کنیم، او را جلال می‌دهیم. رابطه‌ای که با همسایه نجات  
 نیافته خود دارم، می‌تواند در حضور خدا پرستش باشد، مخصوصاً زمانی که در مشکل اتومبیل به  
 او کمک می‌کنیم و پیام نجات خدا را با او در میان می‌گذارم. از آنجا که مادرم شخصیتی خجالتی  
 دارد، خدا را شاید هرگز به صدای بلند در حضور جمع پرستش نکرده باشد، ولی با گوشه‌ای  
 شنوا او را هر روز پرستش کرده است؛ با باز گذاشتن در خانه خود به روی محتاجین بلندتر از هر  
 صدایی او را پرستش کرده است. پرستش روزهای یکشنبه در کلیسا می‌تواند اوج آن پرستشی  
 باشد که ما آن را در زندگی روزانه خود در منزل، در خیابان، در زمانهای آرام و در خدمت خالص  
 انجام می‌دهیم.

آنچه را که از پرستش محروم می‌بودم، همیشه در اختیار من قرار داشت. پرستش صرفاً جلسه‌ای  
 نیست که در آن شرکت کنم. پرستش خود زندگی است، زندگی‌ای که در حضور خدا صورت  
 می‌گیرد. زندگی پر از حمد، خدمت. اینکه همانی باشم که او می‌خواهد. پرستش یعنی جشن فیض  
 و محبت بی‌پایان خدا.

## جوهر پرستش

اخذ از «پرستش» به قلم رونالد آلن و گوردون بارور

قدری در مورد کلمه جلسه پرستشی فکر کنید. آیا اولین عکس‌العمل شما هم چیزی شبیه این می‌باشد: «همان جلسه ۱۱ صبح یکشنبه را می‌گویی؟ شاید این واژه برای عده‌ای صرفاً به این جهت به کار رود که با آن جلسه صبح یکشنبه را از جلسه غروب و یا جلسه وسط هفته کلیسا مشخص و جدا کنند.

ولی زمانی که شما با این واژه روبرو می‌شوید، چه فکر می‌کنید؟ شاید در فکر شما ساختمانی قدیم تصویر گردد که در فضای آن صدای یکنواخت ارگ پخش می‌گردد و در زیر روشنایی چراغهای کم نور آن عده‌ای در سکوت زانو زده و با خدا در مشارکت‌اند. برای بعضی‌ها این واژه ممکن است تصویری از کلیساهای مدرن امروز را خلق کند که در آن موسیقی مدرن امروز با قوت تمام پخش و مردم همراه با آن می‌خوانند و می‌رقصند و به هوا می‌پرند و فریاد می‌زنند.

آیا کلمه پرستش شما را به یاد کاهنان خرقة پوش و مرّ و عود و مراسم می‌اندازد؟ و یا کلیسایی کوچک در دهی دور افتاده که بر روی آن «محل عبادت» نوشته شده است؟ آیا این کلمه شما را به یاد موعظه و یا مراسم عشا ربّانی می‌اندازد؟ یا خواندن و دعا کردن؟ و یا حمد و تفکر؟ کلمه پرستش از جانب بسیاری از مسیحیان در محدوده تجربیات بسیار وسیع و متفاوتی به کار برده می‌شود؟ پس این هم عجیب نیست که واژه جلسه پرستشی به طرق متفاوت به کار برده شود.

## واکنش در مقابل خدا

این کلمه در تجربیات شما هر مفهومی را که القا کند، باید اساساً از واکنش و پاسخ شخص در مقابل خدا صحبت کند. گرچه بر این مقصد نیستیم که کاربرد مختلف این واژه را از جانب مسیحیان به شکلی مصنوعی محدود کنیم، لیکن با اطلاق این واژه به هر جلسه پرستشی نیز مخالف هستیم اگر در آن جلسه فرصتی واقعی به جهت پرستش خدا نباشد. جلسه پرستشی صرفاً بدین شکل صورت نمی‌گیرد، چرا که زمان مشخصی را در برنامه‌های کلیسایی بدان اختصاص داده‌ایم. چنان که می‌بینیم در چنین جلسات پرستشی ما، پرستش واقعی خدا بسیار اندک صورت می‌گیرد.

پس، پرستش چیست؟ پرستش واکنشی فعال است که بدان ما ارزش خدا را اعلان می‌کنیم. پرستش منفعل نیست، شریک شونده است. پرستش حالتی نیست که به شکل مودی در آن بیافتیم؛ واکنش از روی آگاهی است. پرستش صرفاً احساس نیست، بلکه اعلان است. بعضی اوقات واعظین دانشگاه رفته دائم از معنی اصلی واژه‌ها در زبان اصلی عبری و یونانی دم می‌زنند و معنی کلمات را «در متن اصلی» به رخ اعضا می‌کشند، که گویی فقط آنها قادرند از موانعی که زبان لاتین در این مورد می‌آفریند، عبور نمایند. ولی بسیاری از مواقع همین واژه‌هایی که ما در زبان انگلیسی و فارسی برای آنها بکار می‌بریم، باید توضیح داده شوند. در مورد واژه پرستش هم چنین است.

## ارزش و قدر او را اعلان کن

کلمه پرستش در زبان انگلیسی از ریشه آنگلو ساکسون می‌باشد و منظور از آن «قدر و ارزش دادن» به کس و یا چیزی است. و این کلمه در زبان فارسی هم به همین معنی است. زمانی که می‌گوییم: «فلانی پول پرست است»، و یا «بچه‌های خود را می‌پرستد»، از این واژه به اغراق استفاده می‌کنیم. با این وجود، اگر والاترین ارزش برای این شخص در پول باشد و یا بالاترین ارزشها برای او فرزندانش باشد، پس این واژه را به شکلی دقیق بکار برده‌ایم. پرستش یک شخص و یا یک چیز در واقع به این معنی است که بالاترین ارزش را به او اختصاص دهیم و ارزش و قدر والای او را اعلان کنیم. «رالف. پی. مارتین» در راستای همین مطلب چنین می‌نویسد:

«اگر بخواهیم همین فکر را در محدوده روابط خدا و انسان بسط دهیم، تعریف کاربردی بسیار خوبی از این واژه را در دست داریم. پرستش خدا یعنی اسناد کردن والاترین ارزش به اوست، زیرا فقط او است که ارزش دارد.»

## او ارزش دارد

شخصیت خدا و کارهای او باعث می‌شوند که ما جلالی را که شایسته اسم او است، به او دهیم. مطالب مزمور ۹۶: ۷ و ۸ نیز در همین مضمون است.

ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال و قوت  
توصیف نمایید! خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید! هدیه بیاورید  
و به صحنهای او بیایید!

(مزمور ۹۶: ۷ - ۸)

اگر جلالی را که شایسته نام خدا است، به او می‌دهیم، این عمل ما پرستش محسوب می‌شود.  
مزمور آهنگین عهد عتیق با متنی که در مورد پرستش مسیح زنده، آن بره لایق و با ارزش خدا  
مطرح می‌گردد، متعادل می‌شود.

مستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام  
و جلال و برکت را بیابد.

(مکاشفه ۵: ۱۲)

خدای واحد مرکب، آن وجود والای کلام خدا، آن متبارک، پدر، پسر، و روح القدس - او شایسته  
است که توسط تمامی مخلوقات در تمامی دوران مورد پرستش قرار گیرد.

پدر، تو را تمجید می‌کنم!

عیسی مسیح، تو را دوست داریم!

روح القدس تو را احترام می‌کنیم!

تو را با اعلان ارزش اصلی‌ات پرستش می‌کنیم.

## او را جشن بگیرید

در اینصورت، جوهر و عصاره پرستش چیست؟ جشن گرفتن خدا! زمانی که خدا را پرستش  
می‌کنیم، او را جشن می‌گیریم؛ او را برمی‌افرازیم، حمد و تمجید او را می‌خوانیم، به او فخر  
می‌کنیم.

پرستش چیزی نیست که گاه به گاه با نوای ارگ در ما شعله گیرد. ما زمانی که با نوای ارگ  
قلبهای خود را با جلال خدا همسو می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش صرفاً زمزمه برخی از دعا و سرودهایی نیست که فکر و قلب ما با آن زیاد هم درگیر  
نباشد؛ ما با یکدیگر از طریق سرود و دعا خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش کلمات کلیشه‌ای ما نیست که در مواقع دادن شهادت زندگی آنها را کنار هم بچینیم؛ زمانی  
که به جهت خیریت قوم او به نام او فخر می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش افکار خارج از موضوع و نامربوط نیست، چیزی که هدفی را دنبال نکند؛ زمانی که تمامی قسمتهای خدمات و جلسات ما با هم به سوی هدفی واحد تلاش دارند، خدا را جشن می‌گیریم. پرستش جلسه‌ای اجباری نیست که ما را با اکراه بدان کشند؛ زمانی که او را با صداقت خدمت می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش صرفاً نواختن موسیقی نیست» چه به شکلی ضعیف و چه به شکلی زیبا و عالی؛ ما زمانی که در این موسیقی خود را به جهت جلال خدا شریک می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم. پرستش شنیدن نامتمرکز و اکراه آمیز موعظه‌های طول و دراز نیست؛ زمانی که کلام خدا را با شادی می‌شنویم و اجازه می‌دهیم که این کلام ما را عوض کرده، روز به روز بیشتر ما را به شکل منجی مان درآورد، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش موعظه‌هایی نیست که به شکلی ضعیف آماده و انجام گیرد؛ زمانی که به کلام او از طریق روح او حرمت می‌نهم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش شرکت عجولانه در ضیافت خداوند و عشا ربّانی نیست؛ زمانی که فکر خود را عمیقاً روی مفاهیمی مرگ و قیامت او برای ما داشت، فکر می‌کنیم و قلب ما مالا مال از قدردانی می‌شود، خدا را جشن می‌گیریم.

همانطور که روز تولد ما روز جشن و شادی است، سالگردهای ازدواج و لحظات به یاد ماندنی روزهای خوبی که در گذشته داشتیم، به همان شکل جلسه پرستشی ما هم زمان جشن و شادی است.

یکی از بزرگترین دعوت به پرستش جشن‌وار را در کلمات مزامیر ۱۰۰ می‌توان مشاهده کرد. این مزموور ما را تشویق می‌کند که در پرستش خود خدا را جشن بگیریم. این است آن کلمات:

ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید.

خداوند را با شادی عبادت نمایید و به حضور او با ترنم بیاید.

بدانید که یهوه خداست، او ما را آفرید. ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او.

به دروازه‌های او با حمد بیاید و به صحنهای او با تسبیح!

او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانید!

زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالابد.

در خدمت پرستشی که نسبت به خدای زنده و مسیح او داریم، بیاید خدایمان را جشن بگیریم.

## شکل بفتشی به پاسخ

۱- بر اساس آگاهی قبلی خود و متون کتابمقدس و مقالاتی که در این موضوع خواندید، در مورد پرستش مبتنی بر کتابمقدس توصیفی کوتاه بنویسید.

۲- جلسه پرستشی کلیسای شما با این توصیفی که از پرستش دارید، چگونه جفت و جور می‌گردد؟ هدف جلسه کلیسایی و حمد و تمجید خدا چیست؟

۳- «کنت ویلسون» در مقاله خود از سه عنصر پرستش نام برد. هر کدام از آنها را در زندگی شخصی خود بررسی کنید. کیفیت پرستش شما در هر یک از آنها چگونه است؟ جهت رشد خود ر پرستش خدا به انجام چه چیزهایی در هر یک از آنها نیاز دارید؟

الف) پرستش در مقام حمد (آنچه که می‌گوییم و فکر می‌کنیم)

ب) پرستش در مقام شریک شدن (آنچه که انجام می‌دهیم)

ج) پرستش در مقام قدوسیت (آنچه که هستیم)

بحث موضوع

- ۱- پرستشی را که کتابمقدس از آن منظور دارد، چگونه توصیف می‌کنید؟ این پرستش چه چیزی را شامل می‌شود؟
- ۲- چه رابطه‌ای بین پرستش شخصی خدا و پرستشی که به شکل دستجمعی در کلیسا انجام می‌دهیم، وجود دارد؟ آیا این دو با هم مرتبط هستند؟
- ۳- در زندگی خود زمانی را توصیف کنید که در آن خدا را در روح و در راستی پرستش کردید. چه چیزی در آن بود که شما را چنین یقین داد؟
- ۴- بسیاری از مسیحیان با همان مشکلی که کامران دارد، روبرو هستند. به نظر شما چه چیزی مانع می‌شود که مومنین نتوانند خدا را به شکلی دائمی چنانکه باید، پرستند؟
- ۵- چه می‌توانیم بکنیم که ما هم در جلسه پرستشی کلیسای خود به شکلی کامل شریک شویم و زمانی غنی در پرستش داشته باشیم؟
- ۶- چگونه می‌توانید خانواده خود را در پرستش هدایت کنید؟ با همدیگر در این مورد صحبت کنید و به دنبال طرقی باشید که پرستش را در خانواده شما با معنی و غنی می‌گرداند.
- ۷- همانطور که به کیفیت پرستش خود نظر می‌افکنید، بر اساس مطالب این موضوع چه جایی از آن را محتاج به اصلاح می‌بینید؟ در زندگی خود چه تغییرات بخصوصی باید انجام دهید تا این اصلاح صورت پذیرد؟

## گام‌هایی به جهت اطاعت

۱- بحث این موضوع دید و باور اصلی شما را نسبت به موضوع چگونه عوض کرده است؟  
افکار خود را در زیر خلاصه کنید.

۲- چگونه می‌خواهید این نقشه را جامه عمل پوشانید؟ (کی، چه کسی، کجا، و غیره)

۳- خود را متعهد کنید؛ برای خود اهدافی تعیین و آن را با گروه و یا فرد سرگروه در میان گذارید.

به کمک خدا، من:

